

زنان و بیانیه موسوی

جنبش مردم که زنان بخصوص دختران جوان نقش مهم و پیشرویی را در آن داشته اند، وارد مرحله نوینی شده است. روز ۶ دی (عاشورا) فریاد «مرگ بر خامنه ای» فضای جامعه را پر کرده بود. در صحنه های غرور آفرین مبارزات مردم، زنانی را می بینیم که حجاب این سمبل اسارت را به زیر کشیده و در سنگر بندی ها و یورش به نیروهای سرکوبگر رژیم نقش ارزنده ای را ایفا نمودند. رژیم در سی سال گذشته تلاش کرد که با برگزاری مراسم عقب مانده و پوسیده عاشورا مناسبات مردسالاری را هر چه بیشتر تقویت کند. اما امسال زنان با به زیر پا گذاشتن خرافه و سنت های ارتجاعی، این روز را به روز مبارزه علیه نظام کهنه پرست و ضد زن مذهبی بدل کردند.

مبارزه الهام بخش مردم و نقش زنان در ۶ دی همه مرتجعین و سازشکاران را دستپاچه کرده و به عکس العمل وا داشته است. مرتجعین حاکم وحشت زده می خواهند با اعدام و شکنجه و سبقت بی حد روحیه مبارزاتی مردمی را که هر چه بیشتر پایه های نظام جمهوری اسلامی را به درستی نشانه رفته اند، خراب کنند و با براه انداختن حمام خون جو رعب و وحشت در میان مردم ایجاد کنند.

رهبران «سبز» در داخل و خارج از کشور سراسیمه شده و با انتشار بیانیه «آشتی ملی» تلاش دارند در مقابله با روحیه مبارزه جویانه مردم علیه رژیم، روحیه تسلیم طلبی و خواسته های کوچک را علم کنند. چرا که مردم از چارچوبه های تعیین شده توسط اینان عبور کرده است. موسوی در بیانیه شماره ۱۷ خود به دولت احمدی نژاد هشدار می دهد. وی از این می ترسد که مبارزات مردم در پیشروی خود کل نظام جمهوری اسلامی را به زیر کشد و آنگاه مسئله جابجانی وی با احمدی نژاد موضوعیت خود را از دست بدهد.

موسوی در کلیه بیانیه های خود به مردم این «وعده» را می دهد که می خواهد جامعه ما را به دوران رهبری خمینی برگرداند. در آن زمانی که وی نخست وزیر بود. آن دوران برای موسوی و همفکرانش دوران طلایی محسوب می شود.

در آن دوران است که کشتار وسیع زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ و تابستان ۶۷ انجام شد. هزاران هزار زندانی سیاسی اعدام و در گور های دستجمعی دفن شدند. در آن دوران است که کردستان به خاک و خون کشیده شد و اقلیت های ملی سرکوب شدند. در آن دوران است که اولیه ترین حقوق کارگران و زحمتکشانشان لگدمال شد.

در آن دوران است که به فرمان خمینی حجاب اجباری شد، گشت های کنترل حجاب زنان ایجاد شد، زنان به «حرم» عاشق شدن سنگسار شدند، حق سرپرستی کودک از زنان گرفته شد، حق طلاق به مردان داده شد، حق انتخاب شغل از زنان سلب شد، حق زن بر بدنش از او گرفته شد و صد ها قوانین ستمگرانه دیگر علیه زنان تصویب شد.

آری کلیه این قوانین اسارت بار بر کرده زنان در دوران رهبری خمینی و نخست وزیری آقای موسوی و دوران طلایی مورد نظر او نهادینه شدند. و از آن زمان تا کنون زنان به اشکال مختلف بر علیه کلیه این قوانین زن ستیز مبارزه کرده اند. برای همین در چند ماهه اخیر خیل عظیمی از زنان مثل سیل مذاب به خیابان ها سرازیر شدند و اعلام کردند که سی سال بردگی بس است.

اینک در رسانه های مختلف این تبلیغات براه انداخته شده که بیانیه موسوی کف مطالبات مردم است. کف مطالبات کدام قشر و طبقه از مردم؟ این بیانیه کف مطالبات دارودسته ارتجاعی رهبران «سبز» و سازشکاران در داخل و خارج است و هیچ ربطی به کف مطالبات مردم و بطور مشخص زنان ندارد.

پیام اصلی این بیانیه به دولت ایران این است که هنوز جا دارد که بر سر حفظ نظام با یکدیگر وارد معامله شویم در غیر این صورت این امکان وجود دارد که همه ما سرنگون شویم.

کف مطالبات زنان در ایران چانه زدن و معامله با سرکوبگران و عاملین فرودستی شان و یا تغییر چند قانون نیست، بلکه بدست آوردن کلیه مطالبات پایه ایشان است. کف مطالبات زنان لغو حجاب اجباری است. و امروز در میدان نبرد است که بسیاری از زنان این خواست را عملی می کنند. کف مطالبات زنان جدائی دین از دولت است. دینی که در سی سال گذشته در قوانین نوشته و نا نوشته، زنان را برده بردگان کرده است. و این زنان جسور و بی باک هستند که حجاب را به زیر می کشند و دست در دست پسران جوان به رویا رویی عملی با نظام مذهبی در روز عاشورا می پردازند. کف مطالبات زنان لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی علیه زنان است که بدون سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی بدست نخواهد آمد.

سازمان زنان هشت مارس(ایران-افغانستان)

۱۶ دی ۱۳۸۸ برابر با ۶ ژانویه ۲۰۱۰

